

شنبه‌های چالشی صبا، تریبونی آزاد برای اهالی فرهنگ و هنر

انتظارهای اهالی فرهنگ و هنر از وزارت فرهنگ چیست؟



با توجه به محدودیت صفحات، روزنامه صبا نتوانسته است با طیف وسیع اهالی فرهنگ و هنر در باره چالش این هفته صحبت کند و البته که خیلی از هنرمندان عرصه سینما ترجیح دادند وارد این چالش نشوند. با این وجود روزنامه صبا آمادگی خود را اعلام می‌دارد تا درد و دل‌ها و انتظارات اهالی محترم فرهنگ و هنر و ادب از وزارت فرهنگ در قبال نیازهای کاری، معیشتی و رفاهی رادر صفحات اجتماعی خود منعکس نماید.

برای بخش خصوصی و فرهنگ و هنر مستقل نشود و به نوعی این نگاه حمایتگر به یک نگاه پیشرو در حوزه فرهنگ و هنر تبدیل می‌شود. در تمام دنیا و کشورهای پیشرو که پیش قراول بخش فرهنگی هنری هستند دولت رقیب بخش خصوصی نیست. اینجا هنر مستقل با گرایش بنیادین با توجه به زاویه دید غلط مدیریت وزارت فرهنگ به خطر افتاده است. امروز افتخار وزارت فرهنگ و مسئولانش این است که ۲۵ فیلم در بخش دولتی برای جشنواره فجر تولید شده است، این اساساً عملکرد نیست بلکه یک غلط استراتژیکی است که در وزارت فرهنگ وجود دارد. اگر این وزارتخانه را در حوزه‌ای که عرض کردم سیاستگذار و حامی تعریف کنیم حوزه تولید آثار هنری و هنر مستقل می‌تواند خودش را نشان دهد و اگر هنر مستقل و تولیدش در بخش تئاتر و به خصوص در بخش سینما رونق بگیرد و وزارت فرهنگ بودجه‌ها را به سمت بالندگی هنر مستقل جهت دهی کند حتماً ما با یک پیشروی در حمایت مواجه خواهیم شد که بسیاری از مشکلات هنرمندان را حل می‌کند و مشکلات معیشتی خود به خود به شکل درون‌زا کنترل خواهند شد. در این لحظه است که اصناف کار کرد جدی پیدا می‌کنند و کار کردهای فنی و تخصصی خودشان را در روش‌ها، شیوه‌ها و فرایندهای می‌یابند و هر چیزی سر جای خودش می‌نشیند و هنرمندان هم با مشکلات و پیچیدگی‌های معیشتی مواجه نمی‌شوند. چون رونق تولید باعث رونق کسب و کار هنری می‌شود. به نظر من وزارت فرهنگ باید در نگاه مدیریتی خود تجدید نظر کند چون نگاه فعلی مشکلاتی دارد. باید در چشم‌انداز و هدف گذاری‌اش تجدید نظر کند و از حوزه رقابت با هنر مستقل خود را خارج کند و وارد حوزه سیاست گذاری و حمایت‌گری شود. به عنوان مثال تئاتر حسن‌المان که تئاتر و اپرا و موسیقی برگزار می‌شود ۵۴ میلیون یورو سالیانه از دولت مرکزی و ۴ میلیون یورو نیز از دولت محلی دریافت می‌کند و در کل ۹ میلیون یورو در آمد دارد. دولت مرکزی و محلی آیا نمی‌توانند خودشان تولید اثر هنری داشته باشند؟ آیا نمی‌توانند خودشان تولید تئاتر، موسیقی و اپرا داشته باشند؟ پس چرا به مرجع کمک می‌کنند

این حمایت وجود دارد. ما با اینکه از سال ۱۳۹۳ کوشیدیم و نخستین انجمن صنفی هنرمندان تئاتر شهر تهران را راه‌اندازی کردیم که در واقع آخرین دوره‌ای است که به زودی این دوره هنرمندان صنفی تئاتر تهران هم که زیر مجموعه اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی استان تهران است به پایان می‌رسد اما همچنان مناسفانه در صنفمان موفق نشده‌ایم مطالبات مالی افراد را پیگیری کنیم و در واقع پاسخگویش باشیم. مشکلی که وجود دارد این است که نه در سطح وزارتخانه بلکه در سطح مصوبات بودجه سالیانه هنرهای نمایشی نیز به فراخور نیاز جامعه و حمایت از گروه‌های تئاتری که اتفاقاً نص قانون است و باید انجام شود چیزی وجود ندارد. مثلاً ما به عنوان گروه تئاتری تاکنون هیچ وقت چنین کمک هزینه‌ای را دریافت نکرده‌ایم. حال ما در یک سالن دولتی اجرا می‌کنیم و از ما یک ۲۰ درصد بابت سالن و ۹ درصد مالیات ارزش افزوده یعنی در واقع نزدیک به ۳۰ درصد کسر می‌کنند بعد ما یک سال باید منتظر بمانیم تا کمک هزینه‌ای به ما بدهند که به نظر می‌آید این کمک هزینه همان هزینه‌ایست که در ابتدا از ما کم شده. فکر می‌کنم تصمیمات کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در تصویب بودجه حوزه تئاتر و چگونگی تخصیص و بخش آن به گروه‌های تئاتری و فعالان این حوزه می‌تواند تا حد زیادی در زمینه معیشت و رفاه هنرمندان کارآمد باشد.

شهرام گیل آبادی:

اگر هنر مستقل رونق بگیرد مشکلات هنرمندان حل می‌شود
در ابتدا باید به مأموریت وزارت ارشاد بازگردیم و نکاتی را مرور کنیم بعد برسیم به رفع نیازهای هنرمندان. به نظر می‌رسد که وزارت فرهنگ باید به وزارت تئاتر در حوزه سیاست‌گذاری امور فرهنگی و هنری تبدیل شود. اگر ماهیت وزارت فرهنگ هدف و سیاست‌گذاری باشد به یک وزارتخانه حمایتگر تبدیل می‌شود چرا که چهارچوب، سیاست‌ها و اهداف کاملاً روشن و مشخص می‌شوند و این نوع نگاه باعث می‌شود تا وزارت ارشاد و جوه تصدی‌گری خود را کم کند و تبدیل به رقیبی

معیشت هنرمندان و اهالی فرهنگ و هنر و ادب از دیرباز مشکلات اساسی داشته و منحصر به امروز و دیروز نیست.

بهناز وفايي وحدت
گفت و گو

بزرگترین بحران در حوزه هنرمندان و اهالی فرهنگ و هنر و ادب مختص زیرساخت‌هایی است که از گذشته وجود نداشته، از جمله بیمه تأمین اجتماعی و فعالیت هنرمندان که هیچگاه به عنوان شغل شناخته نشده‌اند تا بیمه بیکاری به آنان تعلق بگیرد. اما از سال ۱۳۹۹ قدم‌هایی در این زمینه برداشته شده است و یکی از اقداماتی که انجام شده در زمینه حل مشکل بیمه بیکاری هنرمندان بوده که در کمیسیون‌های دولت به تصویب رسید. موضوع دیگری که گریبان بیشتر هنرمندان را گرفته و با آن دست و پنجه نرم می‌کنند موضوع مسکن است که با تلاش وزارت فرهنگ و بخصوص سازمان سینمایی و با ثبت نام اعضای صندوق هنر حدود ۵۰۰۰ نفر از اهالی فرهنگ و هنر در اولویت طرح نهضت ملی مسکن قرار گرفتند که این خود تلاش قابل‌تأملی از سوی دولت سیزدهم و وزارت فرهنگ محسوب می‌شود. اما با تمام این اوصاف خبرنگار صبا در چالش این هفته به سراغ چند تن از هنرمندان رفته و انتظاری که آنان از وزارت فرهنگ در قبال نیازهای معیشتی و رفاهی دارند را جویا شده است و نکته مشترک در صحبت‌های این هنرمندان به جای انتظار تأمین معیشتی و رفاهی از طرف وزارتخانه مربوطه دغدغه کارکردن و بودجه حمایتی برای آثارشان است.

آرش سنجابی:

بدون دست‌اندازها کارکنم نیاز معیشتی ندارم

حقیقتاً من هیچ وقت چشم‌داشت حمایت مالی و معیشتی از وزارت فرهنگ نداشته‌ام. همین که من بتوانم بدون دست‌اندازهایی که وجود دارد کارم را انجام بدهم راحم را پیش‌خواهم برد و هیچ نیاز معیشتی به وزارت فرهنگ ندارم.

در کشورهای دیگر این ساز و کار به چه شکل است؟

تطبیق موقعیت و شرایط ما با کشورهای دیگر تطبیق درستی نیست به این جهت که در آنها سازوکار تولید یک اثر و به نمایش درآمدش تعهدی برای تولید یک کار هنری ایجاد می‌کند و مناسباتش با مناسبات ما فرق می‌کند. ما در اینجا با یک وضعیت روبرو هستیم که در وهله اول مخاطب‌ها را به سرعت از دست می‌دهیم و دلیلش هم بسیار واضح است. مخاطب با چیزهایی ماندگار می‌شود که یکی از آنها شرایط اقتصادی خودش است. وقتی مخاطب توان اقتصادی‌اش به شکلی است که در سبید مالی خود هنر را مدام کمتر می‌کند در قدم اول ما را با تیراژ کم کتاب و بعد در تئاتر با سالن‌های خالی و در سینما با استثنائاتی که هر از گاهی می‌فروشند روبرو می‌کند و آن استثنائات هم صرفاً فیلم‌های سرگرم‌کننده خواهند بود و آن سینمای پر مغز و مهم ما دیگر نمی‌تواند مخاطب جذب کند در حالی که این آثار تغذیه‌کننده سینمای بدنه هستند. همینطور تئاترهایی که کم می‌فروشند اما تغذیه‌کننده ماهیت یک تئاتر هستند. به نظر من وزارت فرهنگ وظایف گوناگونی دارد که یکی از آنها تلاش برای احیای مخاطب است که باید روی آن قسمت کار کند.

میرعلیرضا دربابیگی:

تصویب بودجه می‌تواند در رفاه هنرمندان کارآمد باشد

اگر داریم درباره هنر تئاتر صحبت می‌کنیم اساساً باید پیش‌فرض گزاره خودمان را برای ورود به این مدخل این بدانیم که اگر اساساً هنر تئاتر وسیله‌ای برای اشاعه، تبیین، ترویج و انتقال فرهنگ میان مردمان است پس قاعده‌تان دستگاه و نهادی که تولید این حوزه را به عنوان یک وزارت بر عهده دارد باید برای آن راهکارهایی بیندیشد که خب در قالب اداره کل هنرهای نمایشی کشور در نظر گرفته شده است. مسئله‌ای که اینجا وجود دارد این است که استانداردها و متر خدمت‌رسانی و ساز و کار قابل‌ارائه در یک اداره کل برای خانواده بسیار بزرگ تئاتر و مخاطبان آن بسیار کوچک است و کوچک بودن این ظرفیت در واقع عدم توانایی، امکان و بودجه بندی در کمیسیون فرهنگی مجلس باعث می‌شود که تعداد زیاد تقاضا و خانواده بسیار پرجمعیت تئاتر که وظیفه ارتباط با مخاطب و فرهنگ سازی را دارند اساساً ناگزیر باشند که خودشان برای ارتزاق یعنی در سطح معیشت روزمره دست به اعمال و رفتاری بزنند که در هیچ جای دنیا وجود ندارد. در همه جای دنیا گروه‌های تئاتری همه یا توسط شهرداری‌ها یا وزارت فرهنگ آن کشور و یا نهاد‌های خصوصی که بخشی از مالیات‌شان صرف خرج در عنوان مسئولیت اجتماعی‌شان نسبت به فرهنگ و هنر است حمایت می‌شوند و بدین شکل می‌توانند روی متون و شکل‌های مختلف اجرایی در مکان‌های تئاتری و حتی غیر تئاتری کار کنند و